

صحیفة الحسین علیہ السلام

[12] از سوی دیگر با احیای تبعیضهای گوناگون، قبائل را به جان هم می انداخت، تا از این رهگذر نیروهایشان را تضعیف کرده و خطری از ناحیه ایشان متوجه حکومت نگردد. از جهت دیگر به کمک کارگزاران مزدور، به جعل حدیث و تفسیر و تأویل آیات به نفع خود می پرداخت، و از این راه به حکومت خود مشروعیت داده و افکار عمومی را تخدیر می کرد. او آن چنان بر اوضاع مسلط بود که برخلاف صریح قراردادی که با امام حسن (علیه السلام) بسته بود عمل می کرد، مثلاً در صلحی که میان آنان بسته شد شرط شده بود که شیعیان امیر المؤمنین (علیه السلام) را آزار ندهد و آنها را به قتل نرسانند، و حتی نام حجر بن عدی، که از اصحاب پیامبر و علی (علیهما السلام) بود، بخصوص قید شده بود، اما همچنانکه گفتیم معاویه او و شش نفر از یارانش را به قتل رسانند، و یکی از آنان را ابن زیاد در عراق زنده به گور کرد. قدرت و استیلای او به جایی رسیده بود که هرچه می خواست می کرد و کسی نبود که چون و چرا کند. علی بن حسین مسعودی مورخ بزرگ قرن چهارم، بعد از نقل داستانی در زمینه خودکامی معاویه گوید: اطاعت مردم از معاویه و نفوذ امرش به جایی رسید که در موقع رفتن به جنگ صفین روز چهارشنبه ای ندای نماز جمعه سر داد و با مردم نماز جمعه خواند، و کسی نگفت که امروز چهارشنبه است، نماز جمعه چرا (1) ؟ _____ 1

- مروج الذهب 3: 31. (*) _____